



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د. ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۲۴۱-۲۶۳

## بررسی چارچوب‌های ارجاع مکانی در زبان فارسی

سه‌نند الهامی خراسانی<sup>۱</sup>، کورش صفوی<sup>\*۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۷/۳/۲۱

دریافت: ۹۶/۱۱/۲۲

### چکیده

چارچوب‌های ارجاع مکانی دستگاه‌هایی مختصاتی هستند که موقعیت یک شیء را در ظرف مکان، معین می‌کنند. مقاله حاضر در چارچوب زبان‌شناسی شناختی با اتکا به رویکرد لوینسون (۲۰۰۳) به بررسی چارچوب‌های ارجاع مکانی در زبان فارسی می‌پردازد. جهت اخذ داده‌های زبان از مجموعه دوم عکس‌های بازی «مرد و درخت»، طراحی‌شده توسط مؤسسه مکس پلانک، استفاده شده است. تحلیل داده‌های اخذشده نشان می‌دهد گویشوران زبان فارسی در چینش مرد و درخت، عموماً ابتدا مورد قرار گرفته در سمت راست تصویر را توصیف می‌کنند که این مسئله می‌تواند ناشی از جهت نوشتن خط فارسی باشد. همچنین بین مرد و درخت تمایل دارند ابتدا درخت را توصیف کنند. به علاوه، برای توصیف رابطه مکانی مرد و درخت از چارچوب ارجاع نسبی استفاده می‌کنند که در آن مرد پیکر و درخت زمینه است؛ درحالی که برای توصیف جهت ایستادن مرد از چارچوب ارجاع ذاتی استفاده می‌کنند که در آن مرد زمینه است و در عمده موارد درخت پیکر بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** چارچوب‌های ارجاع مکانی، چارچوب ارجاع نسبی، چارچوب ارجاع ذاتی، پیکر - زمینه، زبان فارسی.

### ۱. مقدمه

مکان<sup>۱</sup> از گذشته دور از مفاهیم موردتوجه فلاسفه و اندیشمندان بوده است. چگونگی بازنمایی مفاهیم مربوط به آن در زبان نیز از موضوعات مطرح در زبان‌شناسی بوده است و با طرح

E-mail: safavi\_koorosh@yahoo.com

\* نویسنده مسئول مقاله:

روان‌شناسی گشتالت<sup>۲</sup> و بعدتر پیدایش زبان‌شناسی شناختی<sup>۳</sup> از جمله مسائل مطرح در حوزه مطالعات زبانی چگونگی ساختاربندی مکان در زبان‌های گوناگون است. در این مطالعات، از یک سو الگوهای مشترک میان زبان‌های مختلف دنیا و از سوی دیگر تنوع‌هایی که مربوط به تفاوت‌های میان زبان‌های مختلف است، بررسی شده است. زلاتیف<sup>۴</sup> (2007: 318) یکی از دلایل اهمیت معنی‌شناسی مکانی<sup>۵</sup> را جهانی<sup>۶</sup> بودن آن می‌داند.

از جمله مفاهیم کلیدی بحث در این حوزه مفهوم چارچوب ارجاع<sup>۷</sup> است. چارچوب ارجاع دستگاهی مختصاتی<sup>۸</sup> است که موقعیت یک رویداد را در ظرف مکانی تعیین می‌کند. به گفته لویسون<sup>۹</sup> (2003)، حتی زبان‌هایی که نزدیک‌ترین خویشاوندی را با یکدیگر دارند نیز در جزئیات نظام‌های مختصاتی زیربنایی‌شان با هم تفاوت دارند.

موضوع پژوهش حاضر بررسی چارچوب‌های ارجاع مکانی<sup>۱۰</sup> در زبان فارسی است. و برای این منظور از داده‌های واقعی اخذشده براساس هشت عکس مربوط به مجموعه دوم بازی «مرد و درخت»<sup>۱۱</sup> طراحی‌شده توسط مؤسسه مکس پلانک<sup>۱۲</sup> استفاده می‌شود. درحالی که به زعم گیبز<sup>۱۳</sup> (2007: 41)، محققان زبان‌شناسی شناختی نیز علی‌رغم تفاوت‌هایش با زبان‌شناسی زایشی<sup>۱۴</sup>، در عمل عمدتاً از شم<sup>۱۵</sup> فردی برای تشخیص دستوری بودن<sup>۱۶</sup> یا بررسی معنایی استفاده می‌کنند و مثال‌های استفاده‌شده در بیشتر موارد، ساختگی هستند. مباحث مطرح در علوم شناختی علاوه بر جنبه‌های نظری، برای مثال در درک بهتر کارکرد ذهن، جنبه‌های کاربردی هم دارند؛ برای مثال گشمردی (۱۳۹۶) به کمک این علوم به بهبود وضع آموزش زبان اشاره می‌کند.

پژوهش حاضر قصد دارد نخست بررسی کند که گویشوران زبان فارسی برای توصیف یک چنین مکانی<sup>۱۷</sup> ابتدا آنچه را در سمت راست تصویر قرار دارد توصیف می‌کنند یا آنچه در سمت چپ قرار دارد. همچنین اینکه در یک چنین مرد و درخت، گویشوران ابتدا مرد را توصیف می‌کنند یا درخت را. و درنهایت اینکه در این چنین گویشوران از کدام چارچوب‌های ارجاع مکانی استفاده می‌کنند. نتایج حاصل به درک بهتر کارکرد ذهن و همچنین رابطه زبان و شناخت کمک می‌کند.

فرضیه پژوهش نیز این است که اولاً گویشوران زبان فارسی برای توصیف یک چنین مکانی ابتدا آنچه را در سمت راست تصویر قرار دارد توصیف می‌کنند. آنها همچنین ابتدا درخت را توصیف می‌کنند. و درنهایت اینکه برای توصیف چنین چینی از چارچوب‌های ارجاع مکانی ذاتی<sup>۱۸</sup> و نسبی<sup>۱۹</sup> استفاده می‌کنند.

## ۲. پیشینه تحقیق

نقی‌زاده (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود به چگونه ساختاری شدن فضا در زبان فارسی می‌پردازد. وی داده‌های خود را از جملات فارسی معیار گفتاری و نوشتاری جمع‌آوری کرده است. در بخش ایستایی<sup>۲۰</sup> به زیرمجموعه‌های دارای زاویه دید<sup>۲۱</sup>، حروف اضافه جهت‌دار<sup>۲۲</sup> و فاقد زاویه دید<sup>۲۳</sup> پرداخته و در بحث پویایی<sup>۲۴</sup> هم با استناد به تالمی<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۰) به مفاهیم مربوط به حرکت<sup>۲۶</sup> پرداخته است (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۱). از موارد مورد بررسی وی برای مثال می‌توان در دسته درونی بودن به حروف اضافه «در»، «توی»، «درون» و «داخل» و در دسته تحتانی به حروف اضافه «زیر» و «پایین» اشاره کرد (همان: ۱۰۸، ۱۱۶). نقی‌زاده برای تقسیم‌بندی انواع حروف اضافه از فرولی<sup>۲۷</sup> (۱۹۹۲) و برای بررسی معانی متعدد حروف اضافه هم از چارچوب چندمعنایی اصولی<sup>۲۸</sup> تایلر و اونز<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۳) استفاده کرده است (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۱، ۹۸). وی همچنین به کاربرد عبارات مکانی در حوزه زمان، مفاهیم اشاری<sup>۳۰</sup> و استعاری<sup>۳۱</sup> نیز پرداخته است (همان: ۱۶۸، ۱۷۶). در مجموعه مقالاتی که توسط لوینسون و ویلکینز<sup>۳۲</sup> (۲۰۰۶) گردآوری شده، مباحث مربوط به مکان، از جمله چارچوب‌های ارجاع مکانی در خصوص نه زبان مورد بررسی قرار گرفته است. از این نه زبان، دو زبان منفرد و هفت زبان دیگر متعلق به هفت خانواده زبانی بوده‌اند، با پراکندگی جغرافیایی و تفاوت فرهنگی زیاد و ویژگی‌های دستوری و رده‌شناختی<sup>۳۳</sup> متفاوت (، 6, 7 *ibid*: 8). برای مثال، مک‌گرگور<sup>۳۴</sup> (۲۰۰۶) درخصوص دستور زبان مکانی زبان واروا<sup>۳۵</sup> به این نکته‌ها اشاره می‌کند که در این زبان به صورت کلی استفاده از دستگاه مختصاتی چندان رایج نیست؛ اما کاربرد غالب از آن چارچوب مطلق<sup>۳۶</sup> است. در این چارچوب نیز، تنها از چهار جهت اصلی جغرافیایی استفاده می‌کنند و ترکیب‌هایی چون «شمال غربی» یا «جنوب شرقی» ندارند (، 149, 148 *ibid*: 149). در این زبان از چارچوب ارجاع ذاتی هم استفاده می‌شود؛ اما در آن معمولاً جای پیکر<sup>۳۷</sup> و زمینه<sup>۳۸</sup> عوض می‌شود (*ibid*: 154).

پژوهش پدرسون<sup>۳۹</sup> و همکاران (1998: 557, 559) که در ۱۳ جامعه زبانی از ۱۰ خانواده زبانی عموماً بی‌سواد انجام شده است، روی چارچوب‌های ارجاع مکانی مطلق و نسبی تمرکز می‌کند. برای اخذ داده، همچون این مقاله، از مجموعه دوم از بازی مرد و درخت استفاده شده است (*ibid*: 563). نتیجه‌ای که آن‌ها می‌گیرند در نهایت این است که «رمزگذاری<sup>۴۰</sup> زبانی تناظر قوی‌ای با مفهوم‌پردازی<sup>۴۱</sup> تمایزهای مکانی برای مقاصد غیرزبانی دارد» (*ibid*: 589). به عبارت

دیگر، در جوامعی که کارکرد زبانی چارچوب ارجاع مطلق غالب است در کارکردهای غیرزبانی نیز همین چارچوب غالب است و این موضوع درخصوص جوامع متکی به چارچوب ارجاع نسبی نیز صدق می‌کند (ibid: 586).

پژوهش حاضر مبتنی بر داده‌های واقعی گویشوران بومی زبان فارسی است و از کاربرد مثال‌های ساختگی اجتناب شده است. این پژوهش همچنین به نقش روان نیز توجه خاص دارد و موضوع را به صرف ساخت‌های صوری زبان تقلیل نداده است. استفاده از آزمون استاندارد مؤسسه مکس پلانک که پیش‌تر روی زبان‌های دیگر اعمال شده است نیز به میزان قابل‌اعتماد بودن نتایج افزوده است.

### ۳. چارچوب نظری

هر چارچوب ارجاع مکانی منطقاً شامل سه مختصه است:

الف) پیکر: پدیده‌ای که موقعیتش تعیین می‌شود.

ب) زمینه: پدیده‌ای که برای تعیین موقعیت پیکر به‌کار می‌رود.

ج) خاستگاه<sup>۲۲</sup>: پدیده‌ای که نظام مختصاتی زمینه را تثبیت می‌کند.

برای مثال، در جمله‌ای چون «توپ جلوی درخت است»، «توپ» پیکر و «درخت» زمینه است و مشاهده‌گر<sup>۲۳</sup> خاستگاه است؛ زیرا جلو/ عقب بودن در این جمله براساس او تنظیم شده است.

درمورد انواع چارچوب ارجاع مکانی تقسیم‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد. بوهمایر<sup>۲۴</sup> (2008: 25) به بدفهمی‌هایی که درخصوص چارچوب‌های ارجاع مکانی وجود دارد اشاره کرده و برای مثال، مواردی را آورده است که به اشتباه دو جمله The ball is on و Peter's left را دارای دو چارچوب متفاوت دانسته‌اند؛ حال آنکه هر دو این‌ها متعلق به چارچوب ارجاع ذاتی هستند. وی تقسیم‌بندی لوینسون (2003)، مبنای نظری این مقاله، را تقسیم‌بندی دقیقی از چارچوب‌های ارجاع مکانی می‌داند. لوینسون در پاسخ به پرسش «کجا؟» از منظر ایستایی دو دسته بدون چارچوب ارجاع و دارای چارچوب ارجاع را متمایز می‌کند که مورد دوم را به دو گروه عمودی و افقی تقسیم می‌کند که هر یک شامل این سه نوع چارچوب ارجاع اصلی هستند:

الف) نسبی: مانند «توپ جلوی درخت است». این گونه دستگاه مختصاتی وابسته به مشاهده‌گر است؛ در این مثال جلو/ عقب برای «درخت» فی‌نفسه تعریف نمی‌شود و جهات وابسته

به مشاهده‌گر است.

ب) ذاتی: مانند «گرچه زیر ماشین است». در این گونه، دستگاه مختصاتی براساس زمینه، در اینجا «ماشین»، تعیین می‌شود؛ زیرا «ماشین» خود دارای محور زیر/رو هست.

ج) مطلق: مانند «مشهد در شرق تهران است». در این مورد، دستگاه مختصاتی خارج از پیکر است و براساس جهان خارج، در اینجا کره زمین، تعیین می‌شود.

به ادعای لوینسون و ویلکینز (2006) چارچوب ارجاع ذاتی تنها چارچوب ارجاع مکانی جهانی است و زبان‌ها از یک، دو یا هر سه چارچوب ارجاع مکانی استفاده می‌کنند.

لوینسون (2003) نشان می‌دهد که اگر پیش‌داوری‌های ذهنی مربوط به زبان‌های آشنای اروپایی را کنار بگذاریم، متوجه می‌شویم برای مثال در بسیاری از زبان‌ها جمله «آن پسر در سمت راست درخت قرار دارد» غیرقابل ترجمه است (ibid: 15). یا مثلاً بعضی زبان‌ها در جایی که زبان‌های اروپایی از چارچوب نسبی استفاده می‌کنند از چارچوب مطلق استفاده می‌کنند، یا بعضی زبان‌ها به کلی فاقد مفاهیمی مثل «چپ» و «راست» یا حتی «جلو» و «عقب» هستند (ibid: 34).

لوینسون و ویلکینز (2006) رویکرد خود را حوزه جدیدی در زبان‌شناسی می‌دانند که به رده‌شناسی معنی‌شناختی<sup>۴۵</sup> می‌پردازد و مسئله آن، این است که مفاهیم معنایی تشکیل‌دهنده یک حوزه معنایی<sup>۴۶</sup> را تعیین کند.

پژوهش‌های دیگری اصلاح و تعدیل‌هایی بر تقسیم‌بندی لوینسونی داشته‌اند. برای مثال بوهنمایر (2011: 892) به مفهوم بی‌قیدی ارجاعی<sup>۴۷</sup> نیز اشاره می‌کند و آن هنگامی است که گویشوران یک زبان آزادانه بین چارچوب‌های ارجاع مختلف می‌گردند و در توصیفی واحد از انواع مختلف چارچوب ارجاع استفاده می‌کنند.

شاسترمن و لی<sup>۴۸</sup> (2016: 117) چارچوب‌های ارجاع مکانی را به دو دسته کلی محیط‌محور<sup>۴۹</sup> و شیء‌مرکز<sup>۵۰</sup> تقسیم می‌کنند. آن‌ها همچنین معتقدند اگر در تقسیم‌بندی لوینسون ظرایفی لحاظ شوند برای مطالعه فراگیری کودک می‌توانند مفید باشند (ibid: 119).

دنزیگر<sup>۵۱</sup> (2010) تقسیم‌بندی چهارگانه دارد و به جز سه چارچوب لوینسون به چارچوب ارجاع مکانی مستقیم<sup>۵۲</sup> نیز قائل است و نقطه انفصال بحث او هم این است که چارچوب‌هایی که در آن‌ها زمینه/خاستگاه یکی از مشارکان کلام<sup>۵۳</sup> است (برای مثال «گرچه جلوی توست») را از چارچوب‌هایی که در آن‌ها زمینه/خاستگاه یک مشارک کلام نیست (برای مثال «گرچه جلوی کتری

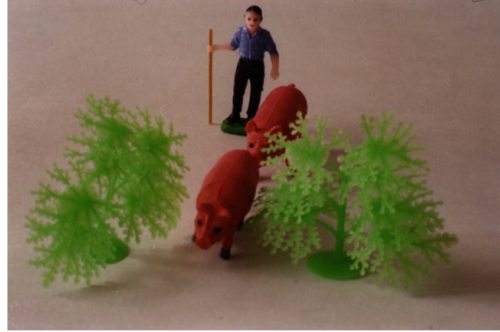
است» تمییز می‌دهد. البته همان‌طور که اومئارا و بائز<sup>۴</sup> (2011: 841) اشاره می‌کنند درخصوص تعریف چارچوب ارجاع مستقیم اختلاف‌نظرهایی وجود دارد.

#### ۴. روش تحقیق

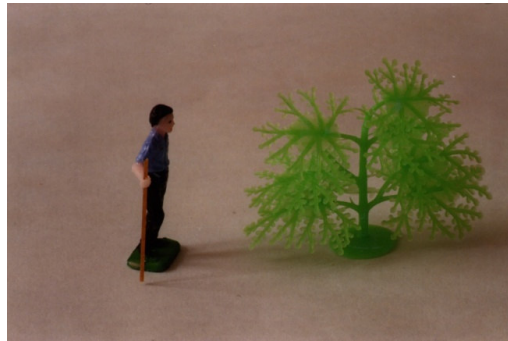
برای اخذ داده از مجموعه دوم عکس‌های بازی «مرد و درخت»، طراحی‌شده توسط مؤسسه مکس پلانک، استفاده شده است. مجموعه دوم شامل ۱۲ عکس است که در آن چهار عکس انحرافی وجود دارد. در بررسی داده‌ها، داده‌های مربوط به چهار عکس انحرافی این مجموعه کنار گذاشته شدند. بنابراین، در نهایت با یک مجموعه عکس هشت‌تایی روبه‌رو هستیم که در عکس‌های ۱ تا ۸ آمده‌اند.



عکس ۱



عکس ۲



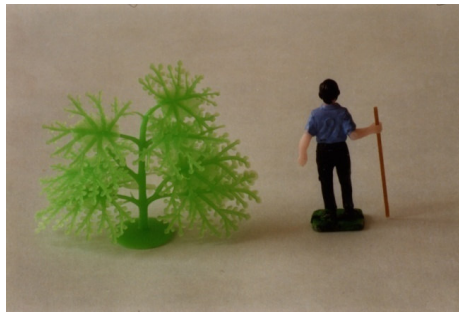
عکس ۳



عکس ۴



عکس ۵



عکس ۶



عکس ۷





عکس ۸

در این مجموعه، در شش عکس ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ یک مرد و یک درخت داریم و در دو عکس ۱ و ۲، مرد، دو درخت و دو خوک. در دو تصویر اخیر درخت‌ها در طرفین تصویر قرار گرفته‌اند و مرد و خوک‌ها در میان آن‌ها. در شش تصویری که مرد و درخت حضور دارند، وضعیت به شرح زیر است:

- در عکس‌های ۳، ۴ و ۷ مرد در سمت چپ تصویر و درخت در سمت راست تصویر قرار دارد.
  - در عکس‌های ۵، ۶ و ۸ مرد در سمت راست تصویر و درخت در سمت چپ تصویر قرار دارد.
  - در عکس‌های ۳ و ۵ مرد رو به درخت دارد و در عکس ۴ پشتش به درخت است.
  - در عکس ۶ پشت مرد به بیننده عکس است و در عکس‌های ۷ و ۸ رویش به بیننده است.
- در جدول ۱ خلاصه‌ای از اطلاعات شش عکس مربوط به مرد و درخت آمده است.

جدول ۱: خلاصه اطلاعات عکس‌های ۳ تا ۸

Table 1. Summary of the information of the photos 3 to 8

جهت ایستادن مرد				موقعیت قرار گرفتن مرد و درخت در عکس		ردیف عکس
مرد پشت به بیننده	مرد رو به بیننده	مرد پشت به درخت	مرد رو به درخت	مرد راست درخت چپ	مرد چپ درخت راست	
			✓		✓	۳
		✓			✓	۴
			✓	✓		۵
✓				✓		۶
	✓				✓	۷
	✓			✓		۸

روند کار به این صورت بوده است که ابتدا دستورالعمل بازی برای بازیکنان شرح داده شده است. نمونه‌ای از توضیحات در ۱ آمده است.

(۱) این یک بازی با عکس. هر دو نفر مجموعه عکس‌های یکسانی دارند و روال بازی این طوری است که یک نفر عکس را یکی یکی انتخاب می‌کند و برای نفر دیگر عکس را توصیف می‌کند؛ بدون نگاه کردن، اشاره کردن یا علامت دادن و غیره، فقط با استفاده از زبان؛ که طرف دیگر اون عکس را از مجموعه عکس‌هایی که جلوشه پیدا کند. هر چه قدر که می‌خوانی می‌توانی با هم صحبت کنی، تا وقتی که مطمئن بشی عکس درست فهمیده شده.

داده‌ها از سه جفت گویشور زبان فارسی در فروردین و خرداد ۱۳۹۶ اخذ شده‌اند. اطلاعات گویشوران به ترتیب بدین شرح بوده است:

- توضیح‌دهنده: مؤنث ۱۴ ساله، مذکر ۵۸ ساله، مؤنث ۳۳ ساله

- توضیح‌شونده: مذکر ۱۵ ساله، مؤنث ۵۳ ساله، مؤنث ۶۱ ساله

برای سهولت در بررسی از این پس برای اشاره به هر جفت از الف، ب و پ استفاده می‌شود. به هنگام بازی حداقل مداخله از سوی نگارنده صورت گرفته است. داده‌ها به صورت صوتی

ضبط و سپس پیاده شده‌اند. در توضیح ۲ تا ۴ نمونه‌هایی از داده‌های پیاده‌شده به ترتیب برای جفت گویشورهای الف، ب و پ آورده شده است. برای متمایز شدن دو نفر از علامت + برای توضیح‌دهنده و - برای توضیح‌شونده استفاده شده است.

(۲) + یک درختچه‌س و یک پسر. بعد توی یه خط راستن.

- پسر سمت چپ درخته‌س یا سمت راستش.

+ سمت... چپش... و دقیقاً پشتش به اون درختچه‌س.

- پشتش به اون درختچه‌س؟ آها. سمت چپش گفتی؟

+ آره.

- خب. بعدی. دقیقاً پشتش آره؟ خب. برو بعدی.

(۳) + خب، بعدی. آدم سمت راست درخته... درخت سمت چپش می‌شه. بعد روش به سمت درخت

نیست. روش به سمت... کجا بگم... مستقیم داره نگاه می‌کنه. پشتش به عکسه. پشتش به عکسه.

- خب.

(۴) + سمت چپ تصویر، یه درخت می‌بینم. سمت راست، یه پسریه که پشتش به منه. به دست

راستش یه چوبه. و روی سنگ وایساده.

- فهمیدم. بله.

پس از پیاده‌سازی داده‌ها جدول‌هایی برای هر عکس/جفت گویشور رسم شده است. نمونه‌ای

از آن‌ها در جدول ۲ آمده است که متناظر با داده‌هایی است که در ۲ آورده شده‌اند.

جدول ۲: نسبت پاره‌گفته‌ها و عکس‌ها در داده‌های ۲

Table 2. The relation between the utterances and photos in data 2

ردیف	پاره‌گفته	کد عکس							
		۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	یک درختچه‌س و یک پسر.	+	+	+	+	✓	+		
۲	بعد توی یه خط راستن.	+	+	+	+	✓	+		
۳	[پسر سمت چپ درخته‌س یا سمت راستش؟] سمت... چپش...		+			✓	+		
۴	و دقیقاً پشتش به اون درختچه‌س.					✓			

برای هر پاره‌گفته شماره ردیفی ذکر شده است و مواردی که از سوی توضیح‌شونده بیان شده‌اند، در قلاب قرار گرفته‌اند. در خانه‌های ستونی که مربوط به عکس موردنظر بوده علامت تیک قرار گرفته و برای دیگر عکس‌هایی که پاره‌گفته در خصوصشان صادق است، علامت + در خانه موردنظر قرار گرفته است. چنانچه عکسی قبلاً توصیف شده است و در نتیجه از دامنه گزینه‌ها حذف شده در ستون مربوط به آن هاشور زده شده است، که البته در جدول ۲ این مورد وجود نداشته است.

### ۵. تحلیل داده‌ها

ابتدا داده‌های مربوط به عکس‌های ۳ تا ۸ تحلیل شده و سپس به عکس‌های ۱ و ۲ پرداخته شده است.

#### ۵-۱. عکس‌های ۳ تا ۸

جدول ۳ نشان می‌دهد اولاً در توصیف هر عکس ابتدا موقعیت پسر ذکر شده است یا درخت و ثانیاً ابتدا مورد سمت راستی ذکر شده یا مورد سمت چپی. برای آنکه مشخص شود پاره‌گفته مذکور مربوط به کدام توضیح‌دهنده است، علامت تیک در ستون مربوطه قرار گرفته است.

جدول ۳: ابتدا توصیف پسر یا درخت، چپ یا راست

Table 3. First described: man or tree, left or right

ردیف عکس			ابتدا پسر یا درخت						ابتدا چپ یا راست					
			پسر			درخت			راست			چپ		
الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ
۳	✓								✓					
۴		✓										✓		
۵	✓	✓							✓					
۶		✓							✓					
۷	✓								✓					
۸								✓						
ستون	۲	۳	۵			۲	۱	۰	۴	۰	۴	۰	۲	۲
مجموع کل	۱۰			۳			۸			۴				

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود از مجموع ۱۳ مورد که موقعیت پسر و درخت ذکر شده، در اکثریت موارد، یعنی ۱۰ مورد، حدود ۷۷ درصد، ابتدا موقعیت درخت و تنها در سه مورد ابتدا موقعیت پسر ذکر شده است. گویشور الف دو مرتبه ابتدا موقعیت درخت و دو مرتبه ابتدا موقعیت پسر را توصیف کرده و از این جهت تعداد برابر است. گویشور ب سه مرتبه ابتدا موقعیت درخت را توصیف کرده و در هیچ موردی ابتدا موقعیت پسر را ابتدا توصیف نکرده است. گویشور پ نیز پنج مرتبه ابتدا موقعیت درخت و تنها در یک مورد ابتدا موقعیت پسر را توصیف کرده است.

درخصوص اینکه ابتدا سمت راست توصیف شده یا سمت چپ، در مجموع از ۱۲ مورد، ۸ مورد، یعنی حدود ۶۷ درصد، ابتدا سمت راست توصیف شده است. از این تعداد، گویشور الف در چهار مورد ابتدا سمت راست را توصیف کرده و در هیچ موردی سمت چپ را ابتدا مورد توجه قرار نداده است. گویشور ب برعکس در هیچ موردی ابتدا سمت راست را توصیف نکرده و تنها در دو مورد ابتدا به توصیف سمت چپ پرداخته است. گویشور پ هم در چهار مورد ابتدا سمت راست را توصیف کرده و تنها در دو مورد ابتدا سمت چپ را توصیف کرده است. جدول ۴، درصد مربوط به هر مورد و جفت گویشور را نشان می‌دهد.

جدول ۴: درصد مربوط به داده‌های جدول ۳

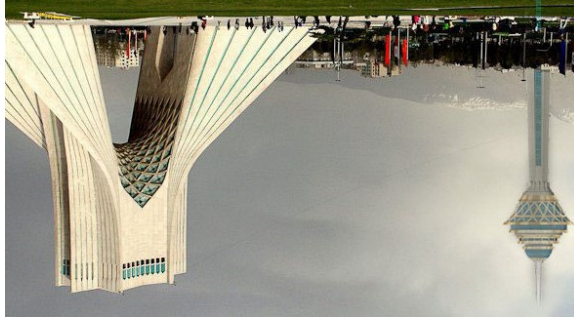
Table 4. The percentage of the data in table 3

ابتدا چپ یا راست			ابتدا پسر یا درخت			-	درصد مجموع						
چپ			راست					پسر			درخت		
پ	ب	الف	پ	ب	الف			پ	ب	الف	پ	ب	الف
۲۳	۱۰۰	۰	۶۷	۰	۱۰۰	۱۶.۷	۰	۵۰	۸۳.۳	۱۰۰	۵۰	ستون	
۲۳			۶۷			۲۳			۷۷			کل	

در سه عکس ۳، ۴ و ۷ که درخت در سمت راست قرار دارد، با ۱۱ مورد پاره‌گفته روبه‌رویم که در هر ۱۱ مورد، یعنی ۱۰۰ درصد موارد، ابتدا درخت (در سمت راست) توصیف شده است. اما در سه عکس ۵، ۶ و ۸ که درخت در سمت چپ قرار دارد، از مجموع هفت مورد، در چهار مورد، ابتدا درخت و در سه مورد ابتدا مرد توصیف شده است. درخصوص توصیف راست یا چپ نیز، از مجموع هفت مورد، در سه مورد ابتدا راست و در چهار مورد ابتدا چپ توصیف شده است. به نظر می‌رسد چنانچه درخت در سمت راست تصویر قرار داشته باشد گویشور آن را برای توصیف در ابتدا انتخاب می‌کند؛ اما چنانچه درخت در سمت چپ تصویر قرار داشته باشد، انتخاب گویشور الگوی خاصی را نشان نمی‌دهد.

#### ۵-۱-۱. چارچوب‌های ارجاع مبهم

این گروه پاره‌گفته‌ها را می‌توان مبتنی بر چارچوب ارجاع دانست. در این چارچوب، زمینه ما عکس است و پیکر که درخت یا مرد است خود جزئی از آن است. اما پرسش اینجاست که خاستگاه دستگاه مختصاتی کدام است؛ زیرا تا خاستگاه دستگاه مشخص نشود نمی‌توان با اطمینان از نوع چارچوب ارجاع سخن گفت که نسبی است یا ذاتی. برای اطمینان از نوع چارچوب ارجاع می‌توان از شرایط ثبات تحت چرخش<sup>۵۵</sup> استفاده کرد که در لوینسون (۵۳، ۵۲: ۲۰۰۳) آمده‌اند. براساس این شرایط، چنانچه کل آرایش<sup>۵۶</sup> پیکر و زمینه چرخانده شوند، اگر توصیف بیننده یکسان باقی بماند، با چارچوب ارجاع ذاتی روبه‌رو هستیم و چنانچه توصیف بیننده تغییر کند با چارچوب ارجاع نسبی. برای این منظور تصویری مشابه عکس ۹ را به ۱۰ گویشور نشان دادم و از آن‌ها خواستم موقعیت برج میلاد را نسبت به برج آزادی توصیف کنند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد گویشوران در خصوص استفاده از چارچوب ارجاع نسبی یا ذاتی اتفاق نظر ندارند؛ زیرا از میان ۱۰ نفر، پنج نفر برج میلاد را در سمت راست برج آزادی توصیف کردند و پنج نفر برج آزادی را در سمت راست برج میلاد.



عکس ۹

#### ۵-۱-۲. چارچوب‌های ارجاع بدون ابهام

گویشوران در مجموع هفده بار از چارچوب‌های ارجاع بدون ابهام استفاده کرده‌اند که یک مورد از آن‌ها توسط توضیح‌شونده پرسیده شده است. از این هفده مورد، ده مورد مربوط به چارچوب ارجاع ذاتی و هفت مورد مربوط به چارچوب ارجاع نسبی بوده‌اند.

#### ۵-۱-۲-۱. چارچوب ارجاع نسبی

در جدول ۵، هر جا از چارچوب ارجاع نسبی توسط هر توضیح‌دهنده‌ای استفاده شده است در خانه مربوطه، علامت تیک قرار گرفته و برای آنکه مشخص شود از سمت چپ استفاده شده یا راست، به ترتیب از حرف چ یا ر استفاده شده است. در یک مورد توضیح‌شونده از چارچوب نسبی استفاده کرده که آن مورد در پرانتز آمده است. درخصوص خانه مربوط به عکس ۶ و گویشور ب نیز از هر دو به صورت متوالی استفاده شده است. درخصوص توصیف‌هایی که پسر پیکر و درخت زمینه بوده‌اند، در خانه مورد نظر تیک خورده است.

جدول ۵: اطلاعات مربوط به چارچوب ارجاع نسبی

Table 5. The information about the relative frame of reference

چارچوب ارجاع نسبی						-
پسر پیکر و درخت زمینه			چپ یا راست			
پ	ب	الف	پ	ب	الف	
✓	✓		✓ چ	✓ چ		۳
		(✓)			✓ (✓)	۴
						۵
	✓			✓ ر ✓ چ		۶
✓	✓		✓ چ	✓ چ		۷
						۸
۲	۳	(۱)	۲	۴	(۱)	ستون
۵ (۶)			۶ (۷)			مجموع کل

در خصوص چارچوب ارجاع نسبی، در جفت الف تنها توضیح‌شونده یک بار از آن استفاده کرده است؛ در جفت ب در مجموع چهار بار از این چارچوب ارجاع استفاده شده است که یک بار آن در خصوص توصیف یکسانی بوده و جای پیکر و زمینه عوض شده است. گویشور پ نیز دو بار از این چارچوب ارجاع استفاده کرده است.

اولین نکته مهم در خصوص استفاده گویشوران از چارچوب ارجاع نسبی این است که از مجموع هفت مورد استفاده آن، در شش مورد مرد پیکر و درخت زمینه بوده است. در تنها موردی که درخت پیکر و مرد زمینه است هم پاره‌گفته مذکور بلافاصله پس از پاره‌گفته‌ای که در آن پسر پیکر و درخت زمینه است، استفاده شده است و در واقع تنها برای توضیح بیشتر آمده است. این بخش در ۵ آمده است.

(۵) آدم سمت راست درخته... درخت سمت چپش می‌شه.

نکته جالب توجه دیگر در خصوص استفاده گویشوران از چارچوب ارجاع نسبی این است که در شش مورد از هفت مورد، پیکر در سمت چپ زمینه قرار داشته است و در تنها موردی که پیکر در سمت راست قرار داشته همان مورد ۵ است که ابتدا توصیف پسر در سمت راست درخت ذکر شده است و بلافاصله درخت در سمت چپ او. در خصوص عکس‌های ۵ و ۸ که در آن‌ها مرد در



سمت راست و درخت در سمت چپ قرار دارد، هیچ موردی از استفاده از چارچوب ارجاع نسبی دیده نمی‌شود. گویشور الف هم در مجموع تمایلی به استفاده از چارچوب نسبی نشان نمی‌دهد.

#### ۵-۲-۱. چارچوب ارجاع ذاتی

حال به مواردی که مشخصاً مربوط به چارچوب ارجاع ذاتی است می‌پردازیم. مواردی مانند ۶ هستند که گویشور به توصیف جهت نگاه پسر پرداخته است؛ این موارد دارای چارچوب ارجاع در نظر گرفته نشده‌اند.

(۶) و پسره داره به درختچه‌ها نگاه می‌کنند.

در جدول ۶ هر جا گویشور رو یا پشت پسر را نسبت به چیزی دیگر توصیف کرده علامت تیک در خانه مربوطه قرار گرفته است و در کنار آن حرف ر یا پ نشان می‌دهد که از رو یا پشت استفاده شده است. در ستون دیگر مشخص می‌کند که رو یا پشت پسر در نسبت با درخت توصیف شده یا خیر. چنانچه توصیف در نسبت با درخت بوده حرف د در خانه مربوطه قرار گرفته و در غیر این صورت اسم مورد مذکور آمده است.

جدول ۶: اطلاعات مربوط به چارچوب ارجاع ذاتی

Table 6. The information about the intrinsic frame of reference

چارچوب ارجاع ذاتی						-
درخت یا مورد دیگر			پشت یا رو			
پ	ب	الف	پ	ب	الف	
	د			ر ✓		۳
د	د	د	پ ✓	پ ✓	پ ✓	۴
د	د	د	ر ✓	ر ✓	ر ✓	۵
من	عکس	تو	پ ✓	پ ✓	پ ✓	۶
						۷
						۸
-			۳	۴	۳	ستون
			۱۰			کل

همان‌طور که مشاهده می‌شود در مجموع ۱۰ بار از این نوع چارچوب ارجاع در توصیفات استفاده شده است که از این میان سه مورد مربوط به گویشور الف، چهار مورد مربوط به گویشور ب و سه مورد نیز مربوط به گویشور پ بوده است. در خصوص عکس ۳، تنها یک بار و در خصوص عکس‌های ۴، ۵ و ۶ هرکدام سه بار از چارچوب ارجاع ذاتی استفاده شده است. برای توصیف جهت ایستادن پسر در عکس‌های ۷ و ۸ از جهت نگاه استفاده شده است. در خصوص عکس ۳ و ۵ اینکه روی پسر به کدام سمت است مورد نظر بوده و در خصوص عکس‌های ۴ و ۶ پشت او. از مجموع این ده مورد، هفت مورد که مربوط به عکس‌های ۳، ۴ و ۵ هستند رو یا پشت پسر در نسبت با درخت توضیح داده شده؛ اما در خصوص عکس ۶ توصیف پسر در نسبت با درخت نبوده و گویشور الف از «تو»، گویشور ب از «عکس» و گویشور پ از «من» استفاده کرده است.

#### ۲-۵. داده‌های مربوط به عکس‌های ۱ و ۲

در خصوص دو عکس باقی‌مانده مجموعه که در آن‌ها دو درخت، یک پسر و دو خوک حضور دارند خلاصه اطلاعات در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: اطلاعات مربوط به عکس‌های ۱ و ۲

Table 7. Information of the photos 1 & 2

مجموع کل	مجموع ردیف	گویشور پ		گویشور ب		گویشور الف		-
		۲	۱	۲	۱	۲	۱	
۶	۴	✓		✓	✓		✓	پسر نسبت به خوک‌ها
	۲			✓	✓			خوک‌ها نسبت به پسر

همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد تمایل کلی ظاهراً این است که پسر پیکر باشد و خوک‌ها زمینه و نه برعکس. در مجموع از شش مورد استفاده از چارچوب ارجاع، در چهار مورد پسر نسبت به خوک‌ها توصیف شده است. از این چهار مورد یک مورد توسط گویشور الف، دو مورد توسط گویشور ب و یک مورد توسط گویشور پ استفاده شده است. در خصوص عکس ۱ دو مرتبه، در خصوص عکس ۲ نیز دو مرتبه پسر نسبت به خوک‌ها توصیف شده است. اما در

خصوص هر عکس، یک بار هم خوک‌ها نسبت به پسر توصیف شده‌اند که در هر دو مورد، گویشور در ادامه توضیح پسر به خوک‌ها این توصیف را به‌کار برده است. پاره‌گفته‌های مذکور در ۷ و ۸ آمده‌اند.

(۷) حالا چوپون وسطه. یک خوک پشت سرشه، یک خوک جلوشه.

(۸) چوپونشون پشت سرشونه. دو تاام گاو، گوساله؛ خوک آها، خوک جلوشونه.

## ۶. نتیجه

در انتهای بخش ۱ مقاله سه پرسش اصلی مطرح شد. فرضیه‌های مربوط به این سه پرسش را براساس داده‌های تحلیل‌شده بار دیگر موردبررسی قرار می‌دهیم.

درخصوص پرسش اول، مشاهده شد گویشوران زبان فارسی برای توصیف یک چنین مکانی عموماً ابتدا آنچه را در سمت راست تصویر قرار دارد، توصیف می‌کنند. این نکته با توجه به اینکه خط فارسی از راست به چپ نوشته می‌شود قابل‌توجه است. پیش‌تر پژوهشگرانی چون ماس و روسو<sup>۵۷</sup> (۲۰۰۳) و برگن و چان<sup>۵۸</sup> (۲۰۰۵) به تناظر جهت نوشتن خط با سمتی که بیننده ابتدا به آن توجه می‌کند، اشاره کرده‌اند.

درخصوص پرسش دوم، دیده شد گویشوران زبان فارسی در یک چنین مکانی مرد و درخت، ابتدا درخت را توصیف می‌کنند. در این نوع چینش، مرد پیکر و درخت زمینه است. درخت علاوه بر بزرگ‌تر بودن، ایستاتر هم هست. تالمی (۱۸۳: ۲۰۰۰) اشاره می‌کند شیء زمینه سریع‌تر ادراک می‌شود. نکته جالب‌توجه اینجا بود که در تمامی مواردی که درخت در سمت راست تصویر قرار داشت، ابتدا درخت توصیف شده بود.

درخصوص پرسش سوم، گویشوران زبان فارسی برای توصیف یک چنین مکانی شامل مرد و درخت، از چارچوب‌های ارجاع مکانی ذاتی و نسبی استفاده می‌کنند و چارچوب ارجاع مطلق در این چینش کاربرد مشهودی ندارد. لوینسون و ویلکینز (۲۰۰۶: ۵۴۵) تأکید دارند اطلاعات مربوط به چگونگی ایستادن (موقعیتی) باید از اطلاعات مربوط به اینکه روی پدیده به کدام سمت است (جهتی)، متمایز شوند. گویشوران زبان فارسی نیز برای توضیح نسبت مکانی مرد و درخت از چارچوب ارجاع نسبی استفاده کرده‌اند که در آن‌ها مرد پیکر و درخت زمینه بوده است. نکته جالب توجه این بود که تقریباً در تمام موارد پیکر در سمت چپ زمینه قرار داشت.

درخصوص جهت ایستادن مرد نیز وی دارای جهات پشت و رو و غیره در نظر گرفته شده و در نتیجه نقش زمینه را در چارچوب ارجاع ذاتی داشته است که عمدتاً در نسبت با درخت به عنوان پیکر توصیف شده است.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. space
2. Gestalt psychology
3. Cognitive Linguistics
4. J. Zlatev
5. Spatial Semantics
6. universal
7. Frame of Reference
8. coordinate system
9. S. C. Levinson
10. Spatial Frames of Reference
11. Man and Tree
12. Max Planck Institute
13. R. G. Gibbs
14. Generative Linguistics
15. intuition
16. grammaticality
17. spatial scene
18. Intrinsic
19. Relative
20. static
21. angular
22. orientation
23. non-angular
24. dynamic
25. L. Talmy
26. motion
27. W. Frawley
28. Principled Polysemy
29. A. Tyler & V. Evans
30. deictic
31. metaphoric
32. S. C Levinson & D. Wilkins
33. typological

34. W. B. McGregor
35. Warrwa
36. Absolute
37. figure
38. ground
39. E. Pederson
40. encoding
41. conceptualisation
42. origo
43. observer
44. J. Bohmeyer
45. semantic typology
46. semantic field
47. referential promiscuity
48. A. Shusterman & P. Li
49. environment-based
50. object-centric
51. E. Danziger
52. direct
53. speech participant
54. C. O'Meara & G. P. Báez
55. constancy under rotation
56. array
57. A. Maass & A. Russo
58. B. Bergen & T. T. Chan

## ۸. حمایت مالی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری این‌جانب، سه‌سند الهامی خراسانی، با عنوان *بررسی چارچوب‌های ارجاع مکانی و زمانی در زبان فارسی* است، که تحت حمایت ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی با کد پیگیری ۳۳۱۲ در دست نگارش است.

## ۹. منابع

- گشمردی، محمودرضا (۱۳۹۶). «آموزش زبان با رویکرد شناختی: اهمیت علوم اعصاب-شناختی در آموزش زبان خارجی». *جستارهای زبانی*. د ۸ ش ۴. صص ۴۷-۷۰.
- نقی‌زاده، محمود (۱۳۹۰). *بررسی چگونگی ساختاری شدن مفهوم فضا در زبان فارسی بر*

اساس زبان‌شناسی شناختی. رسالهٔ دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه اصفهان.

### References:

- Bergen, B. & T. T. Chan, (2005), "Writing Direction Influences Spatial Cognition". In *Proceedings of the Annual Meeting of the Cognitive Science Society*, (27). Pp. 412-417.
- Bohnemeyer, J. (2008). *Spatial Language and Cognition in Mesoamerica; Field Manual*. Buffalo: University at Buffalo.
- Bohnemeyer, J. (2011). "Spatial frames of reference in Yucatec: Referential promiscuity and task-specificity". *Language Sciences* 33. Pp. 892-914.
- Danziger, E. (2010). "Deixis, gesture, and cognition in spatial frame of reference typology". *Studies in Language* 34 (1). Pp. 167-185.
- Frawley, W. (1992). *Linguistic Semantics*. Hillsdale: Routledge.
- Gibbs, R. G. (2007). "Why cognitive linguists should care more about empirical methods". In Evans, V., Bergen, B. K., & Zinken, J. (eds.). *The Cognitive Linguistic Reader*. London: Equinox Publishing Ltd. Pp. 40-56.
- Gashmardi M. R. (2017). "Cognitive teaching: importance of cognitive neuroscience in the teaching of foreign languages". *Language Related Research*. 8 (4). Pp. 47-70. [In Persian].
- Levinson, S. C. (2003). *Space in Language and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Levinson, S. & D. Wilkins, (2006), "Patterns in the data: towards a semantic typology of spatial description". In Levinson, S. C. & Wilkins, D. P. (ed). *Grammars of Space - Explorations in Cognitive Diversity*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp. 512-552.
- Maass, A. & A. Russo (2003). "Directional bias in the mental representation of spatial events: nature or culture?". *Psychological Science*, 14 (4). Pp. 296-301.
- McGregor, W. B. (2006). "Prolegomenon to a Warrwa grammar of space". In

- Levinson, S. C. & Wilkins, D. P. (ed). *Grammars of Space - Explorations in Cognitive Diversity*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp. 115-156.
- Naghizadeh, M. (2013). *The Study of the Structuring of Space in Persian Language*. PhD Thesis. Isfahan: University of Isfahan. [In Persian].
  - O'Meara, C. & G. P. Báez, (2011), "Spatial frames of reference in Mesoamerican languages". *Language Sciences* 33. Pp. 837– 852.
  - Pederson, E. et al. (1998). "Semantic Typology and Spatial Conceptualization". In *Language*, Vol. 74, No. 3. Pp. 557-589.
  - Shusterman, A. & P. Li, (2016), "Frames of reference in spatial language acquisition". *Cognitive Psychology* 88. Pp. 115-161.
  - Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*, 2 vols. Cambridge, MA: MIT Press.
  - Tyler, A. & V. Evans, (2003), *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Experience and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
  - Zlatev, J. (2007). "Spatial Semantics". In Geeraerts, D. & Cuyckens, H. (eds.). *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. New York: Oxford University Press.